

احسن التواریخ و تاریخ‌نگاری عهد صفوی

● سهیلا شکری

این محدودیت این است که منابع متأخر و حتی معاصر احسن التواریخ، اشاره چندانی به این مورخ ندارند. علت این بی‌مهری به درستی مشخص نیست ولی شاید به موضع‌گیری‌های دوستانه و توجیه‌گرانه وی از جنایات شاه اسماعیل دوم، مرتبط باشد. البته در قسمت بررسی اثر درباره آن سخن خواهیم گفت. با ظهور صفویان در سال ۹۰۷ هـ.ق، معیارهای تاریخ‌نگاری دگرگون شد. گرایش‌های شیعی مورخان و تأثیرات آن بر روند تاریخ‌نگاری یکی از آن دگرگونی‌ها بود. از نظر ساختاری نیز، تواریخ عمومی، سلسله‌ای و نخله‌های دیگر تاریخ‌نگاری از دیگر تحولات تاریخ‌نگاری دولت صفوی بود.^۷

انبوهی آثار خلق شده در تاریخ این دوره نیز، از ویژگی‌های دیگر تاریخ‌نگاری دوره است. به طوری که: «... سه اثر بزرگ و فراموش‌ناشدنی در تاریخ این سلسله بر تارک دیگر آثار آنان می‌درخشد که اتفاقاً هر یک از آن سه به یکی از پادشاهان بزرگ صفویه پرداخته است که عبارتند از: حبیب‌السیر در پادشاهی شاه اسماعیل اول، احسن التواریخ در سلطنت شاه طهماسب اول و تاریخ عالم‌آثاری عباسی در حکمرانی شاه عباس اول.»^۸

جایگاه و ویژگی‌های احسن التواریخ در تاریخ‌نگاری عصر صفوی
کتاب احسن التواریخ بقایای یک تاریخ عمومی دوازده جلدی است که احتمالاً در اثر حوادث زمان نابود شده و تنها جلدهای ۱۱ و ۱۲ آن به جا مانده است.^۹ البته منبع این سخن گفته‌های خود حسن بیگ در احسن التواریخ است. وی مکرر در مواقع لزوم به جلدهای پیشین این اثر اشاره کرده است. مصحح این اثر مرحوم عبدالحسین نوایی دربارهٔ نابودی جلدهای پیشین احسن التواریخ می‌نویسد:

«گویا روزگار که خود صبرفی ماهر و گوهرشناسی تمام است آن را سکه صاحب‌عبار و شایستهٔ بقا ندانسته»^{۱۰} تکرار مطالب متقدم توسط حسن بیگ در جلدهای پیشین احسن التواریخ، دلیل این ابراز عقیده توسط دکتر نوایی است.

جلد یازدهم احسن التواریخ تلخیصی از چند منبع چون مطلع السعدین عبدالرزاق سمرقندی، تاریخ دیار بکر به قاضی ابوبکر طهرانی، حبیب‌السیر غیاث‌خواندمیر و تاریخ هشت بهشت در شرح حال سلاطین عثمانی تألیف حکمی‌الدین ادریس بن حسام‌الدین محمدعلی بدلیسی است.^{۱۱} این جلد به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی و توسط بنگاه ترجمه‌منتشر شده است.

حسن بیگ روملو در این جلد، حوادث ایران را از مرگ تیمور در ۸۰۷ هـ.ق تا ۹۰۰ هـ.ق بررسی کرده است.^{۱۲} نویسنده احسن التواریخ در جلد دوازده (که موضوع سخن ما در این مقاله است) تاریخ ایران، عثمانی، هند و ماوراءالنهر را در فاصلهٔ سال‌های ۹۰۰ هـ.ق تا ۹۸۵ هـ.ق بررسی کرده است.

این جلد نیز توسط دکتر نوایی تصحیح و در سال ۱۳۵۷ خورشیدی و در انتشارات بابک منتشر شده است؛ البته اولین بارسی. ان سدون، در سال ۱۹۳۱ میلادی و در کشور هند، این جلد را به چاپ رسانده است. دکتر نوایی که این نسخهٔ چاپی را پُر از ایراد و افتادگی می‌دانست، خود به تصحیح آن با استفاده

■ احسن التواریخ، حسن بیگ روملو،

■ به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی

■ انتشارات بابک، اسفند ۱۳۵۷

یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ ایران در عصر صفوی، کتاب «احسن التواریخ» است. این اثر در روزگار حکمرانی دو تن از مشهورترین پادشاهان صفوی یعنی شاه طهماسب اول و پسرش شاه اسماعیل دوم و توسط یکی از صاحب‌منصبان نظامی این حکومت به نام حسن بیگ روملو به رشته تحریر در آمد. از این روی، یک منبع قابل تأمل برای بررسی تاریخ ایران در این دوره محسوب می‌شود.

زندگی شخصی و پایگاه خانوادگی نویسنده اثر

حسن بیگ روملو پیش از این که یک چهرهٔ تاریخ‌نگار باشد، یک رجل نظامی در حکومت صفوی بود. به عبارتی شخصیت نظامی او بر شخصیت علمی و تاریخ‌نگاری او تقدم دارد.

وی، که به گفتهٔ خویش در احسن التواریخ، در سال ۹۳۷ هـ.ق و در شهر قم متولد شد،^۱ نبیره یکی از سران قزلباش به نام امیر سلطان روملو بود. امیر سلطان روملو والی قزوین و ساوجبلاغ و یکی از صاحب‌منصبان عالی‌رتبهٔ شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب بود که در سال ۹۴۶ هـ.ق، یعنی به هنگام ۹ سالگی حسن بیگ روملو، در تبریز درگذشت.^۲ حسن بیگ روملو بارها در فرصت‌های مقتضی با اشاره به انتسابش به این فرمانده قزلباش، به آن مباحث ورزیده است. اما در هیچ سطر از سطور احسن التواریخ به پدر خویش اشاره نمی‌کند. احتمالاً دلیل آن، عدم بهرمنندی پدر وی از یک جایگاه ممتاز در حکومت صفوی است. زیرا اگر غیر این بود، نویسنده از ذکر نام پدر خویش خودداری نمی‌کرد.

حسن بیگ نیز با تاسی از جد خویش، به سپاه شاه طهماسب پیوست ولی با این حال از آن با عنوان «محت قورچی‌گری»^۳ یاد کرده است. این اظهار نظر، احتمالاً از عدم رضایتمندی وی از این شغل حکایت دارد.

هر چند نظامی‌گری و وابستگی به طوایب قزلباش از مشخصه‌های اصلی حسن بیگ روملو بود، ولی وی بر خلاف بیشتر مردان شمشیر روزگار خویش، از دانش و سواد بی‌بهره نبود و این بهرمنندی از علم و سواد موجب خلق اثر احسن التواریخ شد. وی در این اثر بارها به دو تن از استادانش به نام‌های مولانا مالک قزوینی^۴، مولانا ابوالحسن ایبزدی^۵ و مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی^۶ که از دانشمندان شیعی قرن دهم بودند، اشاره دارد.

استفاده فراوان نویسنده از اشعار در این اثر، نمایانگر علاقه‌مندی وی به شعر و احياناً طبع شعر اوست؛ که از این منظر نیز نسبت به بسیاری از نظامیان عصر خویش ممتاز است.

به نظر می‌رسد احسن التواریخ تنها اثر حسن بیگ روملو باشد؛ زیرا آثار دیگری از وی توسط خودش و یا دیگران ثبت نشده است.

اطلاعات دربارهٔ زندگی حسن بیگ روملو به مطالب فوق محدود است. دلیل

از دو نسخه استانبول و مجلس شورای ملی پرداخته است.^{۱۳} اما محتوای اثر: این محتوا از سه منظر اسلوب کار، دیدگاه‌های غالب و سبک نگارش اثر قابل بررسی است.

حسن بیگ روملو در بررسی حوادث ایران در فاصله سال‌های ۹۰۰ تا ۹۸۵ هـ.ق، اسلوب گاه‌شماری را به کار برده است. وی مهم‌ترین وقایع حکومت صفوی را به ترتیب این سال‌ها توضیح می‌دهد. این وقایع بیشتر جنگ‌های ایران با دول همجوار را در بر می‌گیرد. جنگ‌هایی که بیشتر در روزگار حکمرانی شاه طهماسب اول رخ داد و چون نویسنده خود به عنوان یک نظامی (که به احتمال زیاد به دلیل انتساب؛ طوایف قزلباش و نیز پهرمندی از سوال، منصب مهمی نیز در قشون صفوی داشته است) در بسیاری از این لشگرکشی‌ها پادشاه صفوی را همراهی کرده است، وی از حضورش در لشگرکشی‌های شاه طهماسب به گرجستان، کردستان و ... یاد کرده است.^{۱۴} از این روی، بسیاری از مطالب کتاب مشهودات خود نویسنده و یا شنیده‌های وی از بزرگان دربار و سایرین است و این امتیاز مهمی برای این اثر است. ولی در عین حال، در بررسی مطالب اثر به دلیل ذی‌نفع بودن نویسنده در حمایت از حکومت صفوی، بایستی با احتیاط برخورد کرد.

حسن بیگ روملو، بعد از ذکر وقایع مهم هر سال، به وقایع به گفته خوبی «متنوعه» آن سال نیز اشاره کرده است. وی همچنین متوفیات بزرگان آن سال را در قسمت بعدی آورده است. این متوفیات شامل وفات رجال حکومتی، علمی، دینی و شعر است.

اما در بررسی دیدگاه‌های حاکم در اثر، همان‌گونه که مشخص شد: دیدگاه غالب در آن یک دیدگاه نظامی است و به عبارتی محور اصلی توجهات نویسنده جنگ‌های حکومت صفوی با شورشیان داخلی و دشمنان خارجی است و این به دلیل پایگاه نظامی نویسنده طبیعی به نظر می‌رسد. اما این اثر از جنبه فرهنگی نیز از اعتبار بالایی برخوردار است. ارزش فرهنگی اثر را بیشتر در قسمت متوفیات آن می‌توان جست. زیرا در این قسمت ضمن ذکر اسامی بزرگان علمی، دینی و ادبی به اقدامات فرهنگی، تألیفات و دیگر آثار فرهنگی آنان اشاره کرده است.

از سوی دیگر، اشعار فراوانی که در جاهای مناسب جهت تصدیق سخن و یا پرمایه کردن مطلب توسط نویسنده به کار رفته است، ارزش ادبی اثر را ارتقاء بخشیده است و از این منظر، منبع ارزشمندی برای بررسی اوضاع فرهنگی ایران در این دوره به شمار می‌رود. اما از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌توان جایگاهی برابر با دو جنبه سابق برای آن تصور کرد و به ویژه از دیدگاه اجتماعی، همانند بیشتر آثار متقدم و متأخر به زندگی اجتماعی مردم روزگار خویش توجهی نشان نداده و بیشتر حیات شاهان، شاهزادگان، امیران و در یک کلمه بزرگان را بررسی کرده است و از این حیث، همانند مورخان دیگر روزگار خویش عمل کرده است.

اما سبک نگارش اثر یک سبک ساده، روان و به دور از تکلفات ادبی و لغوی زمان خویش است و کاربرد مناسب اشعار بر شیوایی ظاهری و فحوایی کلام آن می‌افزاید.

حسن بیگ روملو، نگارش این اثر را در سال ۹۸۵ هـ.ق بعد از مرگ شاه طهماسب و آغاز سلطنت اسماعیل دوم به پایان رسانده گفته می‌شود که وی این اثر را به شاه اسماعیل دوم اهداء کرده است^{۱۵} و سپس به فرمان این پادشاه، ادامه تاریخ صفوی را در ایام سلطنت اسماعیل دوم پیگیری کرده و یک اثر قابل قبول برای وی ارائه کرده است. این مطلب را به راحتی از میان مطالب مربوط به سلطنت اسماعیل دوم می‌توان دریافت. زیرا نویسنده در حوادث حکومت شاه اسماعیل دوم، در صدد مشروعیت بخشیدن به آنهاست. گویا وی مأموریت داشته است که اقدامات اسماعیل دوم را توجیه کند و

اگر اقدامی توجیه‌پذیر نبوده است آن را به قضا و قدر الهی نسبت می‌دهد. بارزترین مصداق این امر، قتل شاهزادگان صفوی به فرمان اسماعیل دوم است.

دکتر نوایی درباره سرنوشت حسن بیگ روملو بعد از قتل شاه اسماعیل دوم و با توجه به حمایت‌های متملقانه وی از این پادشاه صفوی، معتقد است که به احتمال قریب به یقین نویسنده احسن التواریخ به جهت وابستگی‌های فراوان به حکومت شاه اسماعیل دوم و به ویژه دوستی نزدیک وی با یکی از عاملین اصلی آشوب‌ها بعد از مرگ شاه طهماسب یعنی حسین قلی خلف، به انتقام مخالفین شاه اسماعیل دوم دچار شده است.^{۱۶}

اگر بخواهیم در یک جمله این اثر و نویسنده آن را به نقد بسپاریم، جمله ذیل گویاتر است: این کتاب نمونه کامل یک اثر درباری و مورخ آن نیز تمثیل بارز یک مورخ درباری است. اما از سوی دیگر به جهت اینکه مؤلف بیش از سی سال ملازمت شاه طهماسب را داشت، منبع ارزشمندی برای بررسی اوضاع ایران در این دوره است. البته به همان دلیل درباری و فرمایشی بودن اثر، بایستی با نهایت دقت، مقابله با صنایع دیگر و در یک کلمه با احتیاط با آن برخورد کرد. در پایان، بخش کوتاهی از این اثر درباره قتل شاهزادگان صفوی توسط شاه اسماعیل دوم و نحوه گزارش این خبر توسط بیگ روملو ثبت می‌شود:

«... هم در آن روز، قلم تقدیر نقش وجود سلطان محمود میرزا و سلطان احمد میرزا و محمدحسین میرزا بن سلطان حسین میرزا بن بهرام میرزا را از لوح هستی محو ساخت و مقارن این حال، سلطان ابراهیم میرزا و ولو بهرام میرزا که مشمول عاطفت و احسان گشته بود، چون امارات عنبر و حیل به کرات از وی صدور یافت، به جزای عمل خویش گرفتار آمده است قضا سجل حیاتش در نوشت ...»^{۱۷}

پی نوشت‌ها:

۱. روملو، حسن بیگ؛ احسن التواریخ؛ مصحح عبدالحسین نوایی؛ تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ ش، ص ۳۱۳.
۲. روملو، همان، ص ۳۸۲.
۳. همان.
۴. روملو، همان، ص ۱۸۶.
۵. دایره‌المعارف تشیع، جلد ۶؛ چاپ اول، تهران، نشر شهید سعید محبی؛ ۱۳۷۶ ش، ص ۳۰۷.
۶. روملو، همان، ص ۱۸۶.
۷. آزند، یعقوب؛ تاریخ نگاری در ایران؛ ترجمه یعقوب آزند، چاپ اول، تهران، گستره ۱۳۸۰ ش، ص ۱۶۳.
۸. نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۷۷.
۹. روملو، همان، پیشگفتار، ص ۲۲-۲۳.
۱۰. همان.
۱۱. همان.
۱۲. دایره‌المعارف تشیع، ص ۳۰۷.
۱۳. روملو، همان، پیش گفتار، ص ۲۶-۲۵.
۱۴. روملو، همان، پیش گفتار، ص ۱۶.
۱۵. روملو، همان، پیش گفتار، ص ۲۱.
۱۶. روملو، همان، پیش گفتار، ص ۲۲.
۱۷. روملو، همان، ص ۶۳۳-۶۳۲.